

آینه

انتخاب

معمای فراوانی

● **عباس عبدی:** تردیدی نیست که افتخار هر جامعه است که بتواند بیمه درمان را برای مردمش کامل کند. به همین علت نیز این طرح به نقطه قوت دولت تبدیل شده بود. ولی به‌لحاظ فنی این پرسش مطرح بود که صفر یا نزدیک به صفرشدن هزینه درمان اگرچه نیازمندان را به‌سوی درمان سوق می‌دهد و این نکته مثبت است ولی در فضای بدون نظارت موجب مصرف‌القای می‌شود و رشد بی‌رویه‌ای را در عملیات پزشکی، مصرف تجهیزات و دارو رقم می‌زند که خطرناک است زیرا منابع آن از جیب همین مردم است. آقای وزیر و رئیس‌جمهور و نماینده مجلس که از جیب خود پرداخت نمی‌کنند. اگر در کانادا درمان تقریباً مجاني است، در مقابل نظارت سختی بر پزشکان و بیمارستان‌ها می‌شود که از این وضع سوءاستفاده نشود و غیرمسئولانه درمانی را تجویز نکنند. در آنجا مقررات مقتدر است و لازمه این هدف داشتن کارایی بیمارستان‌ها به نسبت دقیق است. همچنین رابطه مالی پزشک و بیمار به‌کلّی قطع شده است. این نحوه صرف‌کردن بودجه و بی‌خیال هزینه‌بودن یکی از عوارض اقتصادهای نفتی است.

ایران

خط جدید تندروها

● فشارهایی که این روزها علیه وزیر خارجه اعمال می‌شود، جز در چارچوب یک نابخردی یا حتی طرح مشکوک وابسته به بیگانه، علیه کشور قابل‌فهم نیست. درحالی‌که ایران نیازمند یک سیاست خارجی قدرتمند و مقتدر است و لازمه این هدف داشتن یک وزیر و وزارت خارجه فعال و مورد حمایت است، به نحوی است که فارغ از مناقشات سیاست داخلی باشد، در چنین وضعی تندروها می‌کوشند تا با کشیدن پای وزیر خارجه به این مناقشات که تمام‌شدنی هم نیست، وی را از جایگاه رفیع ملی تزلزل دهند و به یک طرف چنوی سیاسی در داخل کشور تبدیل نمایند. بهره چنین رفتاری نصب کسی جز دشمنان ایران نخواهد شد. متأسفانه برخی رسانه‌های رسمی نیز دانسته یا نادانسته در این دام می‌افتند و بلندگوی تندروها می‌شوند و هم‌زبیار این معرکه ناخوشایند می‌شوند.

چرا چنین هجومی علیه شخص وزیر خارجه شده است؟ چرا هر روز شایعات دروغ تحول جامعه می‌دهند؟ یک روز استعفای وزیر خارجه را جعل می‌کنند، روز دیگر خروج از برجام را، به نظر می‌رسد که آنان از ایجاد مشکل داخلی برای دولت ناامید شده‌اند. آنان که با بحران آفرینی برای دولت، حتی به قیمت پنهان‌شدن پشت زئول‌خوانان مؤسسات اعتباری می‌خواسته به خیابان بیزیند، متوجه شدند که در این راه شانس چندان ندارند و چه‌بسا دست آنان رو می‌شود. همچنان که رو شد.

جمهوری اسلامی

خاستگاه این سلاطین کجاست؟

● **مسبح مهاجری:** وقتی خود نمایندگان مجلس بگویند راه‌روهای مجلس به محل دلال‌بازی و کارچاق‌کشی تبدیل شده، وقتی وزرا از ترس استیضاح، به خواسته‌های وکلای مجلس تن دردهند و هیچ‌کس از آنها برای مقاومت در برابر فشارها حمایت نکند، وقتی دولت استانداران را طبق میل و نظر وکلای استان‌ها منصوب می‌کند، چگونه می‌توان برای انتصاب وزیر و استاندار و معاون وزیر و مدیران کل و فرمانداران و بخشداران و رؤسای ادارات انتظار شایسته‌سالاری داشت؟ در این نظام انتصابی «ملاحظه‌سالاری» فقط می‌توان انتظار پیدایش سلاطین سکه و قیر و کاغذ و سلطان‌های دیگر را داشت که خون مردم را می‌مکند و هنگامی که اعدام می‌شوند نیز با وجود مکنده‌هایی که بر جا گذاشته‌اند همچنان خون مردم میکده می‌شود و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌شود. نمی‌خواهیم بگوییم قوه قضائیه با مفسدان اقتصادی برخورد نکند و نمی‌خواهیم بگوییم مراکز نظارتی که متأسفانه بسیار ضعیف عمل می‌کنند به وظایف خود عمل نکنند، بلکه می‌خواهیم بگوییم مسئولان نظام کاری کنند که ریشه مفاسد خشک شود و زمینه‌ای برای پیدایش این سلطان‌ها وجود نداشته باشد. ترامپ و مشاور امنیت ملی او اگر هوس می‌کنند بگویند مردم ایران ۴۰ سالگی انقلاب و نظام را نخواهند دید، این توهم با مشاهده آن جنگ قدرت به آنها دست داده است.

تندروها

تندروها می‌خواهند میراث هاشمی نباشد

● **فاطمه راکھی:** رحلت آیت‌الله هاشمی این فرصت را به گروه‌های تندرو، خشونت‌طلب و تمامیت‌خواه داد که وحدت و انسجام جامعه را دستخوش همه‌های خود قرار دهند و اجازه ندهند دیدگاه جریان‌های سیاسی به هم نزدیک شود. شکاف و فاصله‌گرفتن جریان‌های سیاسی از یکدیگر به همان اندازه که برای جامعه و کشور مشکل‌آفرین و مضر است، برای گروه‌های تندرو و رادیکال فرصتی است تا دیدگاه‌های خود را به فضای اجتماعی جامعه سرایت دهند. در چنین شرایطی فضای سیاسی کشور ناآرام خواهد شد و گروه‌هایی که عمدتاً علیه منافع ملی فعالیت می‌کنند، نسبت به گذشته تأثیرگذارتر می‌شوند. گروه‌های رادیکال با این رویکرد راه را بر گفتن‌های متعادل نمی‌بندند تا بتوانند گفتن‌های خشونت‌طلب و رادیکال را در جامعه ترویج کنند. به همین دلیل نیز بر پیگیری که بر خاک خفته می‌تازند تا میراث معنوی وی را تحت شعاع قرار بدهند.

politics@sharghdaily.ir

محسن آرمین، عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، درخصوص حضور و فعالیتش در دفاع مقدس و لورفتن عملیات والفجر مقدماتی با ایرنا گفت‌وگو کرده که خلاصه آن در ادامه می‌آید:

● امام گفته بودند هر کسی می‌تواند به تشخیص فرماندهان به جبهه برود. ما هم (آقایان عرب‌سرخی، شهیدحسن منتظرقائم، محمد رضوی، هاشم آقاچری، ابوالفضل قدیانی، صادق نوروزی و چند نفر دیگر) از طریق اخوی شهید جمال دهشور (از شهدای سازمان) که یکی از مسئولان سپاه اهواز بود، رهسپار اهواز شدیم.

● به ایشان گفتیم: «ما آمده‌ایم برویم خط مقدم،

ایشان با اصرار گفت: «شما در بخش‌های ستادی

باشید». گفتیم: «نه. اگر ما در بخش‌های ستادی باشیم

شما تحت فشار قرار خواهید گرفت. ما را به جلوترین

نقطه‌ای فرستید که امکان دارد». آقای دهشور گفت:

«نه. مگر امام نگفته است با نظـر فرماندهان؟! من

تشخیص می‌دهم شما در بخش‌های پشتیبانی و

آموزش خدمت کنید».

گفتیم: «این جماعت ما را متمم به‌ النطاق و

انحراف می‌کند!! با اینکه آموزش لشکر جای حساسی

نیست؛ یعنی دوره آماده‌سازی گردان‌های اعزامی

خیلی کوتاه بود و آموزش عقیدتی خیلی تعیین‌کننده

نیود، مضافاً بر اینکه گردان‌های اعزامی معمولاً یک

روحانی همراه خود دارند، بنابراین مسئول آموزش در

لشکر و برنامه آموزشی نقش مهمی ایفا نمی‌کرد، اما

با توجه به شناختی که از سعه‌صدر دوستان طرف

مقابل داشتیم مطمئن بودیم که انجام خدمت ما در

بخش آموزش لشکر واکنش‌هایی به دنبال خواهد

داشت». گفت: «نه. من می‌گویم شما هم باید اطاعت

کنید». گفتیم: «باشد».

● در آنجا دو دسته شدیم. دسته‌ای؛ یعنی آقای

قدیانی و چند نفر دیگر مأمور آماده‌سازی پادگانی

سیاست

روایت اخراج آرمین از لشکر امام حسن



Hossein Armanesh

شده؟» گفت: «ظفلکی دهشور با شرمندگی می‌گوید من رویم نمی‌شود بروم داخل و با بچه‌ها روبه‌رو شوم. آقای ذوالقدر آمده اهواز و پیگیری کرده است که اینجا کجا هستند؟» گفتیم: «در بخش آموزش». گفته: «اینها تقاطعی‌اند. آموزش را داده‌اید دست

ایشان!!»

● خلاصه دهشور نتوانسته بود ایشان را قانع کند که بابا این آموزش چیز مهمی نیست. اینجا دیگر آخر دیاست، جبهه هست و شهادت. کسی اینجا منافع‌ی ندارد که دنبال کند، اما موفق نشده بود. عرب‌سرخی به دهشور گفته بود: «ما که از اول گفتیم ما را بفرست جلو. خودت قبول نکردی». این شد که دست‌آخر به واحد اطلاعات و عملیات تیپ امام‌حسن منتقل شدیم.

● واحد اطلاعات و عملیات واحدی است که وظیفه شناسایی مواضع دشمن را برای عملیات نظامی برعهده دارد. یکی از راه‌های شناسایی این مواضع،

برای استقرار گردان‌های اعزامی از نقاط مختلف کشور شدند و دسته‌ای دیگر؛ یعنی من و آقایان منتظرقائم و عرب‌سرخی به بخش آموزش تیپ امام حسن(ع) اعزام شدیم. ما شروع به تنظیم برنامه و مواد آموزشی گردان‌های اعزامی به تیپ امام حسن شدیم که بعدها به لشکر امام حسن تبدیل شد.

● تیپ امام حسن بیرون دزفول کنار کرخه اردو زده بود. یک شب همراه آقایان عرب‌سرخی و منتظرقائم در چادر نشستیم بودیم. یک دفعه دیدیم یک نفر سرش را داخل چادر کرد و گفت: «برادر عرب‌سرخی یک دقیقه می‌آیی بیرون؟ آقای دهشور باها‌ت کار دارد». آقای دهشور با عرب‌سرخی آشنایی بیشتری داشت. وقتی آقای عرب‌سرخی از چادر بیرون رفت، من به مرحوم حسن منتظرقائم گفتم: «ببین. کار تمام شد. وسایل را جمع کن باید برویم». گفت: «نه. این چه حرفی است؟ یک‌ربع بعد اما آقای عرب‌سرخی آمد و گفت: «بچه‌ها سلطان را جمع کنید». گفتیم: «چه

گذشت از خط دشمن در دل شب و کسب اطلاعات از نحوه استقرار نیروهای دشمن است که مأموریت خیلی خطرناکی است. به‌هرحال دیگر از آن جلوتر هم وجود نداشت. آقای آقاچـری در یکی از همین عملیات‌های شناسایی روی مین رفت و پایش را از دست داد. محمد رضوی هم همان‌جا زخمی شد.

● آن زمان قرار بود عملیات والفجر انجام شود. آن عملیات متأسفانه با شکست مواجه شد و تعداد زیادی در آن عملیات شهید شدند. به همین دلیل در تبلیغات اعلام کردند این عملیات والفجر مقدماتی بود، درحالی‌که اصلاً مقدماتی نبود. قرار بود ما پاسگاه صفریه را تصرف کنیم و به کانال ماهی در نزدیکی بصره برسیم. این‌روزها صحبت از عملیات کربلای ۴ است و روشن شده که آن عملیات لو رفته بود. می‌خواهم عرض کنم این امر مخصوص کربلای ۴ نبود. عملیات والفجر هم لو رفته بود. چند روز پیش از عملیات چند نفر از افراد لشکر محمد رسول‌الله را که در بالادست لشکر امام‌حسن مستقر بود، در حال شناسایی اسیر شده بودند و روشن بود عراقی‌ها کاملاً مطلع شده‌اند و عملیات لو رفته است.

● جالب اینکه وقتی شب اول عملیات با شکست مواجه شد و تمام معبرها و مسیرها لو رفته بود، باز اصرار کردند یکی، دو شب بعد عملیات مجدداً انجام شود. وقتی به فرماندهان تیپ امام حسن می‌گفتیم این عملیات جدید قطعاً محکوم به شکست است، پاسخی دادند که خیلی عجیب بود. می‌گفتند آقامحسن (آقای محسن رضایی در میان بچه‌های سپاه به آقامحسن معروف بود) به امام گفته ما پاسگاه صفریه را تصرف کرده‌ایم، بنابراین باید این عملیات حتماً انجام شود. به‌هرحال آن عملیات بعداً والفجر مقدماتی نام گرفت.

● پس از آن عملیات به تهران برگشتم و به وزارت ارشاد رفتم و آنجا مشغول کار شدم. البته در مقاطع دیگری هم در جبهه‌های جنوب و غرب حضور داشتم.

استانی شدن انتخابات مجلس در کش وقوس موافقان و مخالفان

سختگوی کمیسئون شوراه‌ا: کارشناسی لازم روی این طرح انجام نشده است

داشت. شکاف موافقان و مخالفان این طرح کجاست؟ آیا می‌توان دو دسته عمده در موافقت و مخالفت با این طرح یافت؟ فعلاً به نظر می‌رسد که موافقان و مخالفان حول جناح‌های سیاسی جبهه‌بندی نکرده‌اند. سختگوی کمیسئون شوراها صحبت خود را این‌گونه ادامه داد: در کشورهای توسعه‌یافته تلاش می‌شود تا انتخابات مجلس در حوزه‌های کوچک‌تر برگزار شود تا مردم ارتباط نزدیک‌تری با نمایندگان داشته باشند و با تصویب قوانینی منطبق بر واقعیت در راستای حل مشکلات اجتماعی کام بردارند، به‌عنوان‌مثال شهری نظیر پاریس به ۲۰ حوزه تقسیم شده است و هر محله یک نماینده دارد. در کشورهای پیشرفته حوزه انتخاباتی مجلس را کوچک‌تر کرده‌اند تا مردم شناخت بیشتری از نمایندگان داشته باشند. هرچند می‌توان رد حرف سلیمی را در برخی کشورهای پیشرفته یافت. اما نمی‌توان تفاوت‌های دیگری را که بین نظام‌های انتخاباتی و پارلمانی ایران با کشورهای پیشرفته وجود دارد نادیده گرفت و تنها این نکته را برجسته کرد. دقیقاً به همین خاطر است که سلیمی در اظهارت بعدی خود گفت: شوراهای محلی فاقد توانایی لازم برای پاسخ‌گویی به مشکلات محلی هستند. متأسفانه تا به امروز که پنجمین دوره حضور شورواها در فضای کشور است، شورواها نتوانسته‌اند به جایگاه واقعی خود دست یابند و بیشتر شوراهای شهرداری هستند تا شوراهای شهر و آمادگی لازم در شوراها وجود ندارد که ما مسئولیت حل مشکلات محلی را به دوش آنها بیندازیم. هنوز ما در مدیریت شهری دچار مشکل هستیم و پارلمان‌های محلی فعال نیستند. در سایر کشورها شهردار رئیس یک شهر است و بهداشت، آب، برق و همه سیستم‌ها زیر نظر شهردار است و شوراهای نیز در نقش یک پارلمان محلی بر کار شهردار نظارت می‌کنند و آنگاه می‌توان رسیدگی به مشکلات محلی را به این پارلمان‌ها سپرد، اما امروز زیرساخت‌های لازم برای سپردن این مسئولیت به شوراهای محلی فراهم نیست. به‌این‌ترتیب می‌توان از این نماینده پرسید اگر شوروا «نتوانستند به جایگاه واقعی خود دست یابند» و به‌این‌ترتیب نمی‌توان از آنها برای برآوردکردن نیازهای محلی استفاده کرد. آیا مجلس امروز در جایگاه واقعی خود قرار دارد که بتواند نیازهای موردنظر سلیمی را تأمین کند.

کرده بتواند در سطح استان با توجه به نظر مرکز استان رای بیشتری کسب کند و به مجلس راه یابد و فردی که رای بیشتری در شهرستان می‌آورد، اما پشتوانه‌ای در مرکز استان ندارد به مجلس ورود پیدا نکند که این نوعی تبعیض است... قبلاً یک کاندیدا تنها در شهرستان خود تبلیغ می‌کرد، ولی بر اساس این طرح، یک کاندیدا باید در صد شهر یک استان تبلیغ کند و پیروسه انتخابات طولانی‌تر خواهد شد. با اگر انتخابات به میان‌دوره‌ای کشیده شود و اگر رای یک حوزه باطل شود، در یک حوزه نظیر سمیرم باید در کل استان اسقفان صندوق رای‌گیری گذاشته شود. موافقان طرح استانی شدن انتخابات مجلس، اغلب بر تأثیر این قانون بر تقویت احزاب و همچنین جلوگیری از بخشی‌نگری تأکید دارند. از منظر دیگر این طرح زیاد مورد قبول نمایندگانی که در حوزه‌های کوچک و تک‌نفره رای می‌آورند نیست، چراکه شرایط انتخاب‌شدن را به‌کلّی تغییر می‌دهد.

اصغر سلیمی در ادامه گفت‌وگوی خود به معایب دیگر این طرح اشاره کرد. برای نمونه او ایرادات خود را این‌چنین فهرست کرد: عدم امکان حضور نمایندگان شاخص و مستقل به دنبال افزایش هزینه تبلیغات، عدم توجه کافی به مناطق پیرامونی شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده، فعال‌شدن کانون‌های قدرت و ثروت، تقلیل اتکا به آرای عمومی و کاهش مشارکت مردمی، عدم مسئولیت کافی از کاندیداهای استان، افزایش لابی‌گری، کاهش استقلال نمایندگان، عدم خودمختاری حوزه‌های کم‌جمعیت زمانی که رای خود را واجد اثرگذاری در کل استان نبیند، کاهش انتخاب آگاهانه، بسته‌شدن راه برای نمایندگان مستقل، غیرحزبی و مردمی برای حضور در مجلس، تأثیرگذاری رای مراکز استان‌ها در انتخابات، بیشتر امکانات و اشتغال در شهرهای بزرگ فراهم شده و روستاها خالی از سکنه می‌شوند.

خلیلی‌وقت است که ایده اصلاح قانون انتخابات برای کارآمدترشدن مجلس مطرح شده است. در میان اظهار‌نظرهای موافق و مخالف باید این نکته را نیز در نظر داشت که قانون فعلی و طرحی که درحال حاضر مطرح است هرکدام برندگان و بازندگان خاص خود را دارند. بر همین اساس است که باید منافع نمایندگان را نیز در نظر

بر چیدن کامل انتخابات از نظام سیاسی کشور

سیدمحمود کاشانی، استاد دانشگاه شهید بهشتی

کشورهای اروپایی، شهرهای پرجمعیت مانند پاریس و لندن را به بخش‌های کوچک انتخاباتی تقسیم کرده‌اند تا در هر بخش انتخاباتی، رای‌دهندگان تنها به یک نامزد انتخابات رای بدهند و از هر بخش در انتخابات مجلس نمایندگان، تنها یک نماینده راهی پارلمان شود. انگیزه کوچک‌کردن حوزه‌های انتخابیه در قوانین انتخاباتی این است که فرصت رقابت واقعی میان نامزدها فراهم شود و ساکنان یک بخش انتخاباتی نیز با شناخت کامل به نامزد مدنظر خود رای بدهند؛ ولی با شگفتی فراوان، ۳ آذر ۱۳۹۷، طرح استانی شدن انتخابات در کمیسئون شوراهای مجلس اسلامی تصویب و به جلسه علنی ارائه شد! باورنکردنی است که طرح موهوم استانی‌شدن انتخابات که حق رای مردم و انتخابات مجلس را از مفهوم سیاسی و حقوقی آن ساقط می‌کند و تاکنون سه بار در مجلس‌های گذشته، یعنی در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۴ تصویب شده و به بار شورای نگهبان آن را خلاف قانون اساسی اعلام و رد کرده است، اینک برای چهارمین‌بار از سوی هیئت‌رئیس‌ه اعلام وصول می‌شود و در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد. بی‌گمان این شیوه برخورد هیت‌رئیس مجلس به معنای بی‌اعتنایی به قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این در حالی بوده که

سختگوی کمیسئون شورواها پس از رد مصوبه سوم مجلس از سوی شورای نگهبان، سرانجام در دوم‌مرداد ۱۳۹۴ و در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر اعلام کرد: «طرح استانی‌شدن انتخابات مجلس به‌طور کامل از دستور کار مجلس شورای اسلامی خارج شد». اکنون با وجود این پیشینه تاریک در قانون‌گذاری‌های مجلس‌های گذشته، این پرسش پیش می‌آید که چرا هیئت‌رئیس‌ه مجلس دهم برای چهارمین‌بار چنین طرح خلاف قانون اساسی را به دستور کار خود قرار داده و برای رسیدگی به یکی از کمیسوین‌های مجلس فرستاده است؟ بر حق برخوردارشدن ملت ایران از انتخابات آزاد و عادلانه، در چندین اصل قانون اساسی کشور و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی که در سال۱۳۵۴ در مجلس شورای ملی و تائون سه بار در مجلس‌های گذشته، یعنی در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۴ تصویب شده و به بار شورای نگهبان آن را خلاف قانون اساسی اعلام و رد کرده است، اینک برای چهارمین‌بار از سوی هیئت‌رئیس‌ه اعلام وصول می‌شود و در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد. بی‌گمان این شیوه برخورد هیت‌رئیس مجلس به معنای بی‌اعتنایی به قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این در حالی بوده که

کشور ما وارد کرده‌اند، ناتوان بوده‌اند.

ادامه از صفحه اول

وکیل امیل

امتحانات پایان نیم‌سال دوم حقوق را هم‌زمان با جشن باشکوه جام جهانی ۱۹۹۸ می‌گذراندیم که محاکمه شهردار وقت تهران آغاز شد و در آن روزها پخش آن از تلویزیون، هیجانی مضاعف به جام جهانی داد. یادم می‌آید بعضی از شب‌ها با دو تلویزیون هم‌زمان از دو صقه غافل نبودیم؛ یکی مسابقات فوتبال که از تصویرش حظ می‌بردیم و دیگری دادگاه شهردار که صوتش را می‌شنیدیم و گاهی دیده بر قسمت‌های مهیج محاجات و مباحث نقش داران آن می‌دوختیم. هم‌نسل‌های من و کمی زودتر و دیرتر از من سه چهره را در آن محاکمات بیشتر به یاد دارند که طبعاً یکی قاضی، آقای محسنی‌از‌ه‌ای، بود و دیگری متهم، آقای کرباسچی؛ اما شخص دیگری در آن ماجرا اسب فصاحت استدلال در میدان بلاغت حقوق می‌راند که برای من تازه حقوق‌دیده، رفتار و گفتارش شورانگیز بود و تحسین‌آمیز. مردی و مستمسکات ماهوی حقوقی را در پیش چشمان آن زمان من، تردستانه به کار می‌گرفت که ناخودآگاه مسابقه‌ای را هم که یک سوی آن تیم دل‌انگیز برزیل بود، وامی‌نهادم تا ببینم چه می‌کند و چه می‌گوید. آن مرد، وکیلی بود فرهیخته و بیانش به سحر ادب و فن حقوق آمیخته. آری! او وکیلی بود حادق و سخنوری ماهر به تمام بهمن کشورز. آن ماجرا با فرازونشیب‌هایش به پایان رسید و جرخ روزگار من تازه‌جو‌ان را تقدیری دیگر آفرید تا در پی حوادثی باشکوه و ناشکوه در آزمون وکالت پذیرفته شوم و اکنون گاه آن بود تا بر رسم معهود، وکیل سرپرستی داشته باشم. پدر قاضی بود و خود مشرف به این شغل شریف و آشنا به شرفای قوم حقوق. لذا پس از قبولی اشارت‌داد که باید پدر بزرگ‌ان روی تا بزرگی بیاموزی - بگذریم که رفتم و نیاموختم- و مصداق آن را خود برایم ترسیم کرد که همان وکیل سرشناس بود یعنی بهمن کشاورز. باری اینچنین بود که استدعای کارآموزی خویش را تقدیم استادی کردم که کمی پیش از آن او را محبوب‌ترین چهره سربال محاکمه شهردار دیده بودم. به‌هرحال استاد بهمن کشاورز پذیرفتند که در آن زمان، افتخار کارآموزی‌شان را بیایم و مدتی را در محضر پیروق و مهرشان زانو زدم و بیاموزم. از آن زمان بود که روی دیگر از آن استاد برایم نمایان‌تر شد که البته قابل حسد بود؛ روی سراسر مئانت و اکرام به شخصیت ایشانی در کنار بحری از دانسته‌های حقوقی و تاریخی و اجتماعی و مطالعاتی ظریف و نغز. باری آن روزگار هم گذشت و سال‌ها در کار صنفی و نه وکالتی که توفیق انجام آن به‌واسطه معلمی کمتر دست می‌داد و می‌دهد از ایشان بزرگی دیدم و گذشت و حسن خلق و ادب و سعه‌صدر و هرگاه که ما شاگردان ایشان از رفتار دیگران نسبت به ایشان برافشته می‌شدیم آرام‌ان می‌کردند و مانع رفتاری می‌شدند که بعداً پشیمان شویم گرچه گاه ترجیح می‌دادیم توصیه ایشان را بپواشکی! نادیده انگاریم و به راه خویش کوشیم! امروزه می‌توان گفت که تقریباً وکیلی را نمی‌توان یافت که آوازه بهمن کشاورز را نشنیده باشد و البته همین آوازه و نیز آزدگی او در واکنش به برخی مدیران و البته بی‌پاسخ‌گذاشتن برخی صحبت‌ها، موجب سعایت‌هایی نیز شده است اما اکثریت قریب‌به‌اتفاق آتانی که او را می‌شناسند بر متانت و وقار و ادب و تأثیر او در حرفه وکالت و حتی گاه در نظام حقوقی ایران گواهی می‌دهند چه اینکه هم او بود که با دفع‌اج جانه‌اش در محاکمه فوق‌الذکر، اشکالات دادگاه‌های عمومی و انقلاب را دقیق‌تر و مؤثرتر به تصویر کشید و در نگاشته‌هایش نیز چیزی فرو نگذاشت.

بهمن کشاورز از هر کس از ظن خود می‌شناسد و من نیز برآتم تا بگویم که بزرگ‌ترین ویژگی او حسن خلق و مدارا در عین آزادیگی است. درعین‌حال آنچه از ایشان دریافته‌ام این است که پیوسته پذیرای دیدگاه‌های نو بوده‌اند و هیچ‌گاه ولو روزی از تحولات مختلف عقب‌مانده‌اند. تقریباً به یاد ندارم که بی‌دلیل متقن با پیشنهادی مخالفت کرده باشند و تسامح در پذیرش در ایشان، ملکه است به نحوی که گاه با دوستان به شوخی از ایشان نقل می‌کنیم که «عیب ندارد» و این یکی از تکیه‌کلام‌های ایشان است که خود بر روحیه خاصی دلالت دارد که نه‌تنها در پی عیب‌جویی نیست بلکه هر مطلب را تجربه‌ای نو می‌انگار د و از مواجهه با نوشدن هراسی ندارد که این از ویژگی‌های بزرگان و خلاقان است.

به‌علاوه درایت در اداره امور و تمشیت مسائل مختلف با ذکاوتی مثال‌زدنی، در ضمن مشورت‌پذیری از وجوهی است که می‌توان بدیشان نسبت داد. افزون بر اینها ایشان علاوه‌بر استادبودنشان برای ملازمان دور و نزدیکشان پدروگونه رفتار می‌کنند و به وقتش نیز از عتاب لازم دریغ ندارند به‌نحوی‌که ما مهر و هیمنه‌اش را یکجا دریافته‌ایم. استغنا -فارغ از وضعیت معیشتی- را ابعاد دیگر شخصیت ایشان است که در همان ناخوشی‌ها هم لحظه‌ای روی خونس و گشاده‌شان را نرُش نکرده‌اند. به‌هرحال آنچه می‌توانم در یک کلام در وصف استاد بگویم «اصلاتی» است که حتی دادوستدارانش منکر آن نیستند. به‌قول اصولیون تبادر از علانم حقیقت است و از بهمن کشاورز اول از همه «اصلات» به ذهن متبادر می‌شود.